

Process Modeling of the Stages of Determining the Issuance of Hadith: An Introduction to Digital Authentication

Seyyed Mohammad Bagher Ghadami¹  and Ahmad Reza Mihandoost²  and Hojjat Bashtani³ 

1. Instructor and Researcher, Khorasan Seminary: m.b.ghadami@gmail.com
2. Researcher, Daneshvaran Research Institute: rmdoost@gmail.com
3. Researcher in Rijāl and Hadith Studies, Noor Research Center for Computer Sciences, Qom: hjtbashtani110@gmail.com

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:

Received:

7 August 2024

Received in revised form:

7 April 2025

Accepted:

25 August 2025

Available online:

10 March 2026

Keywords:

Process modeling of
issuance determination;
Science of Rijāl; Hadith
studies;
Digital authentication;
Certainty of issuance;
Isnād reconstruction;
Transmitter
identification.

ABSTRACT

Determining the issuance (ṣudūr) of a hadith constitutes one of the fundamental stages in Hadith studies. Due to its inherent complexities, this process requires high precision and the systematic execution of ordered, step-by-step procedures. Hadith scholars rely primarily on the science of rijāl (biographical evaluation of transmitters) to authenticate this process. However, this methodological pathway has not been formally codified or clearly articulated in scholarly sources and has largely remained implicit, experiential, and mentally practiced. Therefore, process modeling of these stages is essential for systematizing the knowledge of determining hadith issuance and facilitating its integration into digital tools. This article focuses on the first three stages of determining the issuance of hadith, namely: (1) verification of certainty regarding issuance; (2) reconstruction of the chain of transmission (isnād); and (3) identification of transmitters. It seeks to clarify and model the step-by-step procedures involved in these operations. Process modeling of these stages enables the design of conceptual models and algorithms that may serve as a foundation for the digitalization of hadith authentication processes. Furthermore, the study examines the role of such process modeling as a bridge between traditional hadith scholarship and modern technological tools. The aim of this article is to explicate and model the stages involved in determining the issuance of hadith and to propose frameworks that can serve as a basis for developing digital hadith authentication systems. Given the breadth of the subject, this study—based on library research and employing a descriptive-analytical method—addresses only the first three stages, while the examination of the remaining two stages is deferred to future research.

Cite this article: Ghadami, S.M.B; & Mihandoost, A.R; & Bashtani, H. (2025). Process Modeling of the Stages of Determining the Issuance of Hadith: An Introduction to Digital Authentication. *Digital Islamic Studies and Humanities*, 1 (2), 51-80.
<https://doi.org/10.22034/disah.2026.2015265.1008>



© The Author(s). **Publisher:** Research Center for Digital Islamic Studies and Humanities (RCDISAH).

DOI: <https://doi.org/10.22034/disah.2026.2015265.1008>

فرآیندسازی مراحل کشف صدور حدیث؛ مقدمه‌ای بر اعتبارسنجی

دیجیتال

سیدمحمدباقر قدمی^۱ و رضا میهن دوست^۲ و حجت باشتی^۳

۱. نویسنده مسئول، مدرس و پژوهشگر حوزه علمیه خراسان، رایانامه: m.b.ghadami@gmail.com
۲. مدرس و پژوهشگر حوزه علمیه خراسان و دانشجوی دکتری فقه جزائی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، رایانامه: rmdoost@gmail.com
۳. مدیر گروه علمی حدیث و رجال مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور قم ایران، رایانامه: hjtbashtani110@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

کشف صدور حدیث، یکی از مراحل بنیادین در دانش حدیث است که به دلیل پیچیدگی‌های ذاتی، نیازمند دقت بالا و طی مراحل منظم و گام‌به‌گام می‌باشد. حدیث‌پژوهان برای اعتبارسنجی این فرآیند، مسیری را دنبال می‌کنند که بر دانش رجال استوار است؛ با این حال، این مسیر در منابع علمی به صورت مدون و شفاف بیان نشده و بیشتر به صورت ذهنی و تجربی مورد استفاده قرار گرفته است. فرآیندسازی این مراحل، اقدامی ضروری برای نظام‌مند کردن دانش کشف صدور و انتقال آن به ابزارهای دیجیتال محسوب می‌شود. این مقاله با تمرکز بر سه مرحله نخست کشف صدور حدیث، شامل: ۱. بررسی قطع به صدور؛ ۲. بازسازی سند؛ ۳. شناسایی راویان، تلاش دارد فرآیندهای گام‌به‌گام این عملیات را شفاف‌سازی و الگوسازی کند. فرآیندسازی این مراحل، امکان طراحی مدل‌های مفهومی و الگوریتم‌هایی را فراهم می‌سازد که می‌توانند به عنوان پایه‌ای برای دیجیتال‌سازی فرآیندهای اعتبارسنجی حدیث مورد استفاده قرار گیرند. همچنین، جایگاه این فرآیندسازی به عنوان پلی میان دانش سنتی حدیث‌شناسی و ابزارهای نوین فناوری مورد بررسی قرار می‌گیرد. هدف این مقاله، تبیین و فرآیندسازی مراحل کشف صدور حدیث و ارائه الگوهایی است که بتوانند مبنایی برای توسعه سامانه‌های دیجیتال اعتبارسنجی احادیث فراهم آورند. با توجه به گستردگی مباحث، در این نوشتار و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و روش توصیفی-تحلیلی، صرفاً به سه مرحله ابتدایی پرداخته شده و بررسی دو مرحله بعدی به نوشتاری دیگر موکول گردیده است.

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۱۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۴/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۲/۲۰

کلیدواژه‌ها:

فرآیندسازی کشف صدور،

علم رجال،

حدیث‌شناسی،

اعتبارسنجی دیجیتال،

قطع به صدور،

بازسازی سند،

شناسایی راوی.

استاد: قدمی، سیدمحمدباقر؛ و میهن دوست، رضا؛ و باشتی، حجت (۱۴۰۴). فرآیندسازی مراحل کشف صدور حدیث؛ مقدمه‌ای بر اعتبارسنجی دیجیتال. *علوم انسانی و اسلامی دیجیتال* ۱(۲): ۵۱-۸۰. <https://doi.org/10.22034/disah.2026.2015265.1008>



ناشر: پژوهشکده علوم اسلامی و انسانی دیجیتال (مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور). © نویسندگان.

مقدمه

روند کشف صدور حدیث یکی از فرآیندهای بنیادین در دانش حدیث‌شناسی است که طی آن، اعتبار روایات از طریق تحلیل اسناد، بررسی محتوا و ارزیابی علمی روایت‌ها تعیین می‌شود. این فرآیند که قرن‌ها بر پایه تحلیل ذهنی و دانش سنتی محققان انجام می‌شد، همواره با چالش‌هایی نظیر پیچیدگی تحلیل‌ها، زمان‌بر بودن و اتکای بیش از حد به قضاوت‌های فردی مواجه بوده است. با پیشرفت علوم و فناوری‌های نوین، امکان نظام‌مند کردن این فرآیند به کمک ابزارهای دیجیتالی فراهم شده است. اما نخستین گام برای بهره‌گیری از فناوری در این حوزه، استخراج، مدل‌سازی و فرآیندسازی دقیق مراحل کشف صدور حدیث است.

فرآیندسازی مراحل کشف صدور حدیث، به معنای شناسایی و سازمان‌دهی گام‌های این فرآیند به صورتی شفاف و منسجم است که قابلیت تبدیل به مدل‌های استاندارد الگوریتمی را داشته باشد. این اقدام نه تنها به ساده‌تر شدن تحلیل‌ها و کاهش خطاهای انسانی کمک می‌کند، بلکه بستر لازم برای اعتبارسنجی دیجیتالی را فراهم می‌آورد. به بیان دیگر، بدون تعریف دقیق و فرآیندسازی علمی مراحل کشف صدور، سامانه‌های دیجیتال توانایی لازم برای تحلیل داده‌های حدیثی و ارائه ارزیابی‌های دقیق و استاندارد را نخواهند داشت.

در این مقاله، با تمرکز بر مفهوم فرآیندسازی ذهنی مراحل کشف صدور حدیث، تلاش می‌شود نشان داده شود که این اقدام چگونه مقدمه‌ای اساسی برای توسعه سامانه‌های دیجیتالی اعتبارسنجی احادیث محسوب می‌شود. همچنین جایگاه این فرآیندسازی به‌عنوان پلی میان دانش سنتی حدیث‌شناسی و فناوری‌های نوین مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف. ضرورت فرآیندسازی در کشف صدور حدیث

کشف صدور حدیث شامل مراحل اولیه‌ای است که از بررسی سلسله روایان و تحلیل محتوای حدیث آغاز شده و به ارزیابی نهایی اعتبار آن ختم می‌شود. این مراحل نیازمند دانش عمیق حدیثی و دقت بالایی در بررسی منابع است. با وجود این، ساختار ذهنی این فرآیند معمولاً به صورت نانوشته و غیرمدون در اختیار محققان قرار دارد که آن را به فرآیندی وابسته به فرد و غیرقابل انتقال تبدیل کرده است. در این میان، فرآیندسازی گام‌های کشف صدور حدیث به‌عنوان یک اقدام علمی و نظام‌مند، امکان انتقال این دانش ذهنی به چارچوب‌های دقیق و تعریف‌شده را فراهم می‌سازد.

ضرورت فرآیندسازی از آنجا ناشی می‌شود که برای دیجیتالی‌سازی اعتبارسنجی احادیث، باید مراحل آن به صورت ساختاریافته و مدون تعریف شوند. این فرآیندسازی به عنوان یک پیش‌نیاز کلیدی برای طراحی الگوریتم‌ها و ابزارهای دیجیتال، نقش حیاتی در ایجاد شفافیت، کاهش خطا و سرعت بخشی به ارزیابی‌های حدیثی ایفا می‌کند.

ب. جایگاه فرآیندسازی در اعتبارسنجی دیجیتال

فرآیندسازی مراحل کشف صدور حدیث یکی از ضرورت‌های تحول در روش‌های تحلیل حدیث‌شناسی است که می‌تواند بستری مناسب برای دیجیتالی‌سازی و ایجاد سامانه‌های هوشمند اعتبارسنجی فراهم کند. در سامانه‌های هوشمند، با بهره‌گیری از الگوریتم‌های پیشرفته، امکان ارزیابی خودکار، سریع، و دقیق اعتبار احادیث فراهم می‌شود. این سیستم‌ها نه تنها دقت و سرعت تحلیل را افزایش می‌دهند، بلکه از تأثیر سوگیری‌های ذهنی و فردی نیز می‌کاهند. با این حال، موفقیت چنین سامانه‌هایی مستلزم وجود یک مدل علمی، دقیق و فرآیندمحور برای کشف صدور حدیث است.

فرآیندسازی به معنای سازمان‌دهی مراحل کشف صدور به صورت گام‌به‌گام و ساختاریافته است که امکان بازنمایی آن به عنوان یک فرآیند الگوریتمی را فراهم می‌کند. این اقدام، که مبتنی بر تحلیل دقیق و نظام‌مند محتوای رجالی و حدیثی است، به دانشمندان این امکان را می‌دهد که دانش سنتی حدیث‌شناسی را به شکلی مدرن‌تر و با ابزارهای دیجیتالی ترکیب کنند. نتیجه این فرآیندسازی، طراحی مدل‌هایی است که بتوانند فرآیند تحلیل و اعتبارسنجی را به طور خودکار پیاده‌سازی کنند.

مزایای فرآیندسازی در اعتبارسنجی دیجیتال

- ایجاد ساختار استاندارد: فرآیندسازی این امکان را فراهم می‌آورد که داده‌های حدیثی به صورت منظم و استاندارد ذخیره و پردازش شوند. این ساختار، بستر لازم برای طراحی بانک‌های اطلاعاتی پیشرفته و ابزارهای تحلیلی را فراهم می‌کند.
- کاهش خطای انسانی: با تعریف دقیق مراحل کشف صدور و انتقال آن به الگوریتم‌های دیجیتال، میزان خطاهای ناشی از تحلیل‌های ذهنی و فردی کاهش می‌یابد.

- سرعت در ارزیابی: الگوریتم‌های پیشرفته، امکان تحلیل سریع و گسترده منابع حدیثی را فراهم کرده و از طولانی شدن فرآیندهای سنتی جلوگیری می‌کنند.

- شفافیت و قابلیت بازبینی: طراحی مدل‌های دیجیتال مبتنی بر فرآیندسازی، به شفافیت در روش‌شناسی کمک کرده و امکان بازبینی و ارزیابی علمی را فراهم می‌کند.

فرآیندسازی همچنین نقشی کلیدی در پر کردن شکاف میان روش‌های سنتی و فناوری‌های نوین ایفا می‌کند. این اقدام، دانش حدیث‌شناسی سنتی را به صورت داده‌ها و قوانین قابل پردازش در می‌آورد که به ابزارهای دیجیتال اجازه می‌دهد تحلیل‌هایی مبتنی بر اصول علمی ارائه دهند. در حقیقت، فرآیندسازی پلی میان دنیای سنتی حدیث‌شناسی و دنیای مدرن فناوری ایجاد می‌کند که با ترکیب این دو حوزه، اعتبارسنجی دیجیتال را به یک فرآیند علمی و استاندارد تبدیل می‌نماید.

به طور خلاصه، فرآیندسازی مراحل کشف صدور حدیث نه تنها به دیجیتالی‌سازی این دانش کمک می‌کند، بلکه افق‌های جدیدی را در حوزه تحلیل‌های رجالی و حدیثی می‌گشاید. این امر، مقدمه‌ای برای بهره‌گیری گسترده‌تر از فناوری در علوم اسلامی و طراحی سامانه‌های پیشرفته اعتبارسنجی است که می‌توانند به‌عنوان ابزارهای علمی کارآمد در تحقیقات آکادمیک و فقهی مورد استفاده قرار گیرند.

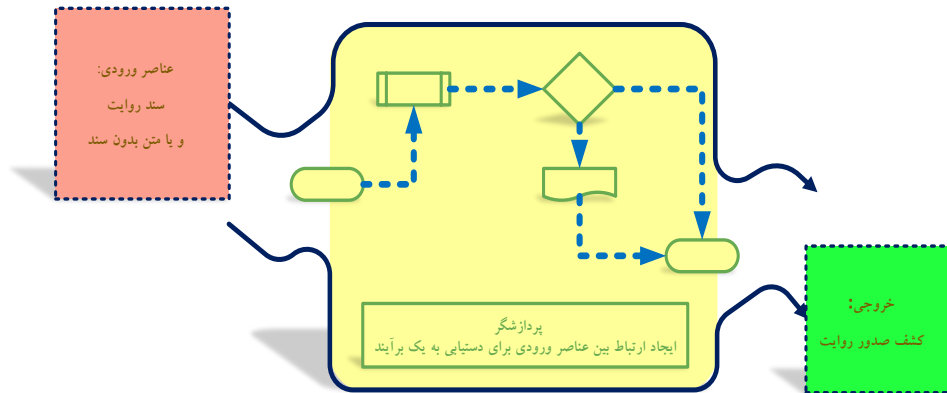
ج. ضرورت طراحی فرآیند گام‌به‌گام در کشف صدور حدیث

کشف صدور حدیث یکی از مراحل اساسی در علم رجال است که از بررسی سلسله راویان و تحلیل محتوای روایت آغاز شده و به ارزیابی نهایی اعتبار آن ختم می‌شود. این فرآیند به دلیل پیچیدگی و دقت موردنیاز، همواره نیازمند یک رویکرد ساختاریافته و نظام‌مند بوده است. با این حال، دانش حدیث‌شناسی و روش‌های رجالی تاکنون عمدتاً به صورت ذهنی و غیرمدون انجام شده و کمتر به تدوین یک فرآیند گام‌به‌گام و ساختاریافته توجه شده است.

برای رفع این محدودیت، فرآیندسازی مراحل کشف صدور حدیث به‌عنوان یک اقدام علمی و ضروری مطرح می‌شود. این فرآیندسازی، دانش ذهنی محققان را به چارچوب‌های دقیق و تعریف‌شده منتقل می‌کند و از وابستگی آن به قضاوت‌های فردی و تجربی می‌کاهد. افزون بر این، تعریف گام‌به‌گام این مراحل، امکان طراحی دستگاه‌ها و ابزارهای کارآمد برای تحلیل صدور روایت را فراهم می‌آورد.

- به منظور توضیح فرآیند کشف صدور، می توان عناصر اصلی این فرآیند را در سه محور شناسایی کرد:
۱. **عناصر ورودی:** شامل سند روایت یا متن بدون سند، که پایه بررسی قرار می گیرد.
 ۲. **عناصر ضابطه مندساز:** شامل قواعد و ضوابط کلی طراحی شده که به عنوان ابزار تحلیل و ارزیابی عمل می کنند و ارتباط منطقی بین داده های ورودی و خروجی را فراهم می آورند.
 ۳. **عناصر خروجی:** شامل کشف صدور روایت، که هدف نهایی این فرآیند است و به دستیابی به علم یا حجت شرعی نسبت به صدور روایت ختم می شود.

شکل شماره ۱: دستگاه پردازشگر کشف صدور



فرآیندسازی این مراحل، نه تنها به ایجاد یک نظام علمی برای کشف صدور کمک می کند، بلکه بستری برای دیجیتالی سازی و طراحی سامانه های هوشمند اعتبارسنجی احادیث نیز فراهم می آورد. این اقدام می تواند از خطاهای انسانی بکاهد و به ایجاد شفافیت و تسریع در ارزیابی های حدیثی منجر شود. در این مقاله، با نگاهی برخاسته از دانش رجال، تلاش شده است که این مراحل به صورت ساختاریافته و نظام مند ارائه شوند تا به عنوان مبنایی برای تدوین قواعد و ابزارهای کاربردی عمل کنند.

۵. پیشنهاد

در کتب اصول رجال، بیشتر به استدلال‌ها و نظریه‌پردازی‌ها پرداخته شده و اگرچه شواهدی از فرایند اعتبارسنجی در کلمات ایشان یافت می‌شود، اما این مباحث به صورت متمرکز و شفاف ارائه نشده‌اند. برخی کتب رجالی مانند «اعتبارسنجی احادیث شیعه»^۱، «اصول الرجال»^۲ و «آشنایی با اصول علم رجال»^۳ به فرایندسازی علم رجال اشاره کرده‌اند، اما این آثار فاقد ارائه خرده‌فرایندهای گام‌به‌گام و ساختارمند برای کشف صدور حدیث هستند. همچنین، ارائه این فرایندها به صورت فلوچارت، که برای آموزش و شفاف‌سازی بسیار مفید است، در این کتب دیده نمی‌شود.

در سال‌های اخیر، نرم‌افزار درایه‌النور مرکز تحقیقات نور گام‌های مهمی در جهت دیجیتال‌سازی فرایندهای حدیث‌شناسی برداشته است. این نرم‌افزار با استفاده از بانک‌های اطلاعاتی گسترده و الگوریتم‌های پیشرفته، مراحلی مانند شناسایی روایان (توحید مختلفات و تمییز مشترکات)، اعتبارسنجی روایان و بازسازی اسناد و ... را به صورت عملی پیاده‌سازی کرده است. همچنین، الگوریتم‌هایی برای ارزیابی سند روایات بر اساس کدهای اعمال‌شده در روایان و اسناد طراحی کرده است که بر اساس آن‌ها، سند روایت می‌تواند به صورت صحیح، ضعیف، موثق و ... ارزیابی شود.

با این حال، این مراحل به صورت مدون و علمی در قالب یک مقاله یا پژوهش ارائه نشده‌اند. از این رو، نوشتن مقاله حاضر با هدف فرایندسازی مراحل کشف صدور حدیث و ارائه آن به صورت نظام‌مند و گام‌به‌گام، ضرورتی اساسی دارد. این اقدام نه تنها به شفاف‌سازی و آموزش این فرایندها کمک می‌کند، بلکه امکان نقد و بازبینی علمی را نیز فراهم می‌آورد و می‌تواند به عنوان پایه‌ای برای توسعه بیشتر نرم‌افزارهای مشابه و طراحی الگوریتم‌های هوشمندتر عمل کند.

هـ. سایر فوائد تبیین فرایندی کشف صدور

همان‌گونه که گذشت، یکی از مهم‌ترین فواید فرایندسازی مراحل کشف صدور حدیث، فراهم آوردن بستر برای دیجیتال‌سازی و توسعه سامانه‌های هوشمند اعتبارسنجی است. این اقدام، با ساختاردهی و سازمان‌دهی دقیق مراحل، امکان بهره‌گیری از فناوری‌های پیشرفته را فراهم می‌کند که خود به تسریع و ارتقای دقت ارزیابی‌های حدیثی می‌انجامد.

۱. حسینی شیرازی، سید علیرضا (۱۳۹۸)، اعتبارسنجی احادیث شیعه، چاپ دوم، تهران: سمت.

۲. شبیری، سید محمد جواد (۱۴۳۹ق)، اصول الرجال، نجف: دار البذرة.

۳. دلبری، سید علی (۱۳۹۸)، آشنایی با اصول علم رجال، چاپ پنجم، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

علاوه بر این، فرآیندسازی در کشف صدور حدیث دارای فواید متعدد دیگری است که به شرح زیر بیان می‌شوند:

- **تبیین جایگاه و روابط مباحث رجالی:** فرآیندسازی با ارائه ساختاری گام‌به‌گام و شفاف، جایگاه دقیق مباحث مختلف رجالی را روشن می‌سازد. این رویکرد به محققان کمک می‌کند تا روابط میان مسائل مختلف را درک کنند و درک کلی تری از ساختار دانش رجال به دست آورند.

- **کشف خلأها و نقاط ضعف موجود:** با تنظیم مراحل بررسی صدور حدیث به صورت فرایندی، نقاط ضعف و خلأهای موجود در مباحث نظری و قواعد عملی نمایان می‌شود. این شناسایی به ارائه نظریات جدید و تقویت بنیان‌های علمی کشف صدور کمک کرده و موجب بهبود روش‌شناسی موجود می‌شود.

- **تسهیل در آموزش و یادگیری:** فرآیندسازی با ارائه محتوایی منسجم و ساختارمند، روند آموزش دانش رجال را ساده‌تر و کارآمدتر می‌کند. این رویکرد باعث می‌شود که دانشجویان از همان ابتدا مباحث را به صورت منطقی و در ارتباط با یکدیگر بیاموزند و از پراکندگی و ابهام در یادگیری پرهیز کنند.

- **افزایش قابلیت نقد و بازبینی:** یکی دیگر از فواید فرآیندسازی، شفافیت در روش‌ها و مراحل مختلف کشف صدور است که امکان نقد علمی و بازبینی مباحث رجالی را برای پژوهشگران فراهم می‌کند. این شفافیت به توسعه مستمر دانش رجال و ارتقای سطح علمی آن منجر می‌شود.

- **تقویت جایگاه دانش رجال در مطالعات میان‌رشته‌ای:** ساختاردهی دقیق و شفاف‌سازی فرآیندها، زمینه را برای به‌کارگیری دانش رجال در حوزه‌های مختلف، از جمله تاریخ‌نگاری و سایر علوم اسلامی، فراهم می‌کند. این اقدام، دانش رجال را به حوزه‌ای پویا و مورد توجه در مطالعات میان‌رشته‌ای تبدیل می‌سازد.

به‌طور کلی، فرآیندسازی مراحل کشف صدور حدیث، علاوه بر تسهیل در دیجیتالی‌سازی، ابزار قدرتمندی برای توسعه، نقد، و آموزش دانش رجال است که افق‌های جدیدی را برای پژوهشگران این حوزه گشوده و نقش آن را در مطالعات اسلامی تقویت می‌کند.

ز. واژه‌شناسی

۱. فرآیند

فرآیند به مجموعه عملیات و مراحل لازم برای رسیدن به یک هدف مشخص گفته می‌شود. (معین، ۱۳۸۶، ۱۱۶۴/۲) در حقیقت، فرآیند به مجموعه گام‌ها از نقطه شروع تا پایان عملیات گفته می‌شود. آنچه در تعریف فرآیند مهم است، توالی و گام‌به‌گام بودن است. گام‌های عملی در فرآیند باید از مسأله، آغاز شود و مخاطب را تا نقطه پایان و رسیدن به نتیجه، همراهی کند؛ ساخت فرآیندها مبتنی بر شناسایی دقیق هر یک از متغیرهایی است که مسیر حل مسأله را متفاوت می‌کند. فرآیند کشف صدور حدیث نیز باید مخاطب را از نقطه برخورد با مسأله که سوال از اعتبار روایت خاصی است تا رسیدن به نتیجه که اعتبار یا عدم اعتبار آن روایت می‌باشد، همراهی کند. متغیرهای این فرآیند می‌تواند قواعد رجالی و یا اصولی باشد.

۲. کشف صدور

مراد از کشف صدور، احراز تحقق سنت است و لذا فرآیند کشف صدور نیز معنایی وسیع‌تر از قواعد دانش رجال دارد؛ از این‌رو عناصر تشکیل دهنده فرآیند کشف صدور لزوماً از قواعد رجالی نیستند؛ بلکه ممکن است از قواعد اصولی باشد.

در حقیقت، دانش رجال در کشف صدور روایت، نقش فراوانی دارد؛ ولی مباحثی مانند بررسی قطع به صدور نیز در کشف صدور روایت دخیل می‌باشند که تعریف دانش رجال، شامل آن‌ها نمی‌شود؛ زیرا دانش رجال بر اساس دو تعریفی که دارد،^۱ علمی است که به احوال روات در تشخیص راوی ثقة از ضعف می‌پردازد و بررسی قطع به صدور لزوماً ارتباطی به احوال روات ندارد؛ چراکه ممکن است قطع به صدور از راه‌هایی دیگر مانند توجه به محتوا حاصل گردد.

۱. دانش رجال، در نگاه عده‌ای، تنها به ذکر اسماء راویان و بیان وثاقت و ضعف آنها می‌پردازد. (خامنه‌ای، ۱۳۷۷، ۵؛ سبحانی، ۱۴۲۵ق، ۱۱؛ سند، ۱۴۲۹ق، ۱۴) طبق این تعریف، دانش رجال، مبتنی بر ضوابطی کلی است که از آن به «اصول علم رجال» تعبیر می‌شود. این ضوابط یا به صورت مستقل تدوین شده‌اند و یا در مقدمه کتب رجالی مورد بحث قرار گرفته‌اند؛ اما برخی دانش رجال را همان ضوابط و قواعد کلی می‌دانند که در تشخیص وثاقت یا ضعف راوی تأثیر دارند و ذکر اسماء روات و بیان وثاقت و ضعف آن‌ها را خارج از دانش رجال دانسته و به‌عنوان «اسماء الرجال» تعبیر می‌نمایند. (فضلی، ۱۴۳۰ق، ۱۹؛ سبحانی، ۱۴۲۵ق، ۱۷)

ح. روند کلی اعتبارسنجی صدور

همان‌طور که گفته شد یکی از اهداف دانش رجال، ارائه فرایندی برای اعتبارسنجی کشف صدور است. تمامی فقهاء برای اعتبارسنجی کشف صدور، مسیری را طی می‌کنند که در دانش رجال بر آن استدلال و نظریه‌پردازی نموده‌اند؛ البته به صورت شفاف در دانش رجال آن مسیر را بیان نکرده‌اند؛ ولی از آن در استنباط خود بهره‌مند می‌گردند.

در این مجال، روند کلی اعتبارسنجی کشف صدور بررسی می‌شود.

محور اصلی این روند بر پنج مرحله مبتنی است که جدول زیر، نمایی کلان از آن عملیات است.

ردیف	مرحله	توضیح
۱	بررسی قطع به صدور	بررسی راه‌های کشف قطعی صدور از قبیل تواتر، توجه به قرائن و...
۲	تعیین نوع سند و بازسازی آن	تعیین روش ذکر سند در کتب روایی و بازسازی سند در صورت لزوم
۳	شناسایی راوی	مراحل شناسایی راوی از قبیل شناخت راوی مبهم و مجهول و مشترک
۴	بررسی اعتبارسنجی مرسلات	بررسی راه‌های ارائه شده در اعتبار روایات مرسل مانند قاعده اصحاب اجماع و...
۵	بررسی احوال راوی	تعیین اعتبار راوی با توجه به توثیق یا تضعیف، تعارض جرح و تعدیل و...

به جهت کثرت مباحث روند کلی و خارج شدن محدوده از مقدار متعارف مقاله علمی، در این نوشتار تنها به سه مرحله اول پرداخته می‌شود و دو مرحله بعد، به نوشتاری دیگر موکول می‌گردد.

۱. بررسی قطع به صدور

در این مرحله، قبل از ورود به بررسی سندی، راه‌هایی که موجب کشف قطعی صدور یا عدم آن است، بررسی می‌شود؛ زیرا در این صورت، بر اساس، حجیت ذاتی قطع، صدور روایت ثابت است.

(انصاری، ۱۴۲۸: ۲۹/۱؛ فیاض، ۱۴۲۲، ۳۵/۲)

وجه تقدم این مرحله این است که اساس اعتبار تمام قواعد رجالی، قطع است و با قطع به صدور، نتیجه مطلوب حاصل می‌شود و دیگر نیاز به بررسی راه‌ها و قواعد دیگر رجالی نیست.

مراحل گام به گام بسته بررسی قطع به صدور را می‌توان به صورت زیر فهرست نمود.

گام اول: اگر مشهور به روایتی عمل کرده باشند، آن روایت حجت می‌باشد و نیاز به بررسی

سندی ندارد. (اردبیلی، ۱۴۰۳: مجمع الفائدة، ۵۴۶/۷؛ مظفر، ۱۴۳۰: ۲۵۳/۳)

این گام بر اساس مبنای جابریّت ضعف سند با عمل مشهور می‌باشد؛ چرا که بر اساس این مبنا

اگر روایتی ضعیف باشد، اما مشهور قدماء به آن عمل کرده باشند، روایت معتبر تلقی می‌شود؛

بنابراین بررسی سندی ثمری نخواهد داشت.

به عنوان نمونه، مقدس اردبیلی، در مورد مقبوله عمر بن حنظله (کلینی، ۱۴۰۷: ۶۷/۱)

می‌فرماید عدم صحت سند، بخاطر جابریّت عمل اصحاب مضرّ نیست. (اردبیلی، ۱۴۰۳:

مجمع الفائدة، ۵۴۶/۷)

گام دوم: اگر مشهور از روایتی إعراض کرده باشند، آن روایت حجت نمی‌باشد. (نجفی، ۱۴۰۴:

۲۴۹/۱؛ مظفر، ۱۴۳۰: ۲۵۳/۳)

این گام بر اساس مبنای إعراض مشهور می‌باشد؛ زیرا بر اساس این مبنا حتّی اگر روایتی صحیح

باشد، اما مشهور از آن إعراض کرده باشند، مورد استناد قرار نمی‌گیرد؛ بنابراین بررسی سندی ثمری

نخواهد داشت.

به عنوان نمونه، صاحب جواهر صحیحہ معاویة بن عمار (طوسی، ۱۴۰۷: ۲۴۱/۱) را که بر

وجوب کشیدن تمام آب چاه بخاطر بول صبی دلالت دارد، مورد إعراض اصحاب دانسته و

نمی‌پذیرد. (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۴۹/۱)

إعراض یا عمل مشهور به روایت، با مراجعه به کتب فقهی، تعیین می‌شوند.

گام سوم: اگر روایتی متواتر لفظی باشد، آن روایت حجت می‌باشد و نیاز به بررسی سندی

ندارد. (صدر، ۱۴۱۸: ۱۳۸/۲)

گام چهارم: اگر روایتی متواتر معنوی باشد، مضمون مشترک اخذ می‌شود و نیاز به بررسی سندی

ندارد. (صدر، ۱۴۱۸: ۱۳۸/۲)

گام پنجم: اگر روایتی متواتر اجمالی باشد، مضمون مشترک اخذ می‌شود و نیاز به بررسی سندی

ندارد. (صدر، ۱۴۱۸: ۱۳۸/۲)

گام ششم: اگر روایت متواتر نباشد ولی قرائن قطعی بر صدور داشته باشد، به روایت متواتر ملحق می‌شود و نیاز به بررسی سندی ندارد. (انصاری، ۱۴۲۸: ۳۲۲/۱؛ مظفر، ۱۴۳۰: ۷۳/۳)

گام هفتم: اگر مشهور نسبت به روایتی اعراض یا عمل نکرده باشند و روایت متواتر نباشد، برای بررسی اتصال روایت به بسته بررسی اعتبارسنجی مرسلات مراجعه شود.

۲. بررسی حالات عارض بر سند و بازسازی آن

اگر روایتی قطعی نباشد، نوبت به بررسی سند روایت خواهد رسید که از بررسی حالات عارض بر سند و بازسازی آن شروع خواهد شد.

در کتب روایی سند روایت از طرف مؤلفان به صورت‌های مختلفی ذکر شده است که گاهی نیاز به بازسازی دارد؛ لذا قبل از بررسی سند، باید حالات عارض بر سند بررسی شود و در صورت لزوم، بازسازی شود.

مراحل گام به گام بسته بررسی حالات عارض بر سند و بازسازی آن را می‌توان به صورت زیر فهرست نمود.^۱

گام اول: سند روایت بررسی شود.

گام دوم: اگر قسمتی از سند با حرف «أو» عطف شده است، این بخش از سند، مردد بین دو راوی است؛ برای اعتبار سند، باید هر دو راوی از نظر وثاقت و طبقه بررسی گردند.

به‌عنوان نمونه، سند «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ أَوْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام)» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۲۱۰) دارای تردید است؛ از این رو هم «مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ» هم «مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ» باید از نظر وثاقت و طبقه بررسی گردند.

گام سوم: اگر تمام یا قسمتی از ابتدای سند با اتکا به سند قبل حذف شده و به قسمت محذوف با عباراتی نظیر «بهذا الإسناد» اشاره شده است، برای بازسازی سند، افراد حذف شده، با توجه به سند قبل، به سند حاضر اضافه می‌شوند. (شیری، ۱۴۳۹: ۳۹)

۱. گام‌ها و حالات عارض بر سند، برگرفته از نرم‌افزار درایة النور، بخش أسناد، راهنما، است. از آن جا که غالب اصطلاحات بیان شده در این نرم‌افزار در کتب رجال و درایه موجود نیست، نام‌های آن حذف شده و تنها به حکم آن حالت پرداخته شده است.

به‌عنوان نمونه، در سند «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ حَمْرَةَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام)» و «وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ يُونُسَ عَنْ حَمَادٍ عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ص)» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۶۳/۱) در سند دوم اشاره وجود دارد؛ از این رو با توجه به سند اول، «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ» و «مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى بْنِ عُبَيْدٍ» حذف شده‌اند که سند به صورت زیر بازسازی می‌شود:

«عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى بْنِ عُبَيْدٍ [اشاره] عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ حَمْرَةَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام)»

گام چهارم: اگر در پایان يك روایت به نقل دیگری از همان روایت با عباراتی نظیر «مثله» اشاره شده است، به این معناست که روایت، دارای سند متعدد است.

به‌عنوان نمونه، در سند «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَ غَيْرُهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنِ ابْنِ الطَّيَّارِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام)» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۶۲/۱) و «مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ مِثْلَهُ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۶۳/۱) سندی که در ذیل سند اول آمده است، سند دوم روایت محسوب می‌شود. **گام پنجم:** اگر ابتدای سند به جای نام راوی، ضمیر به کار رفته است، برای بازسازی سند، مرجع ضمیر با توجه به سند قبل، به سند حاضر اضافه می‌شود. (شیری، ۱۴۳۹: ۳۲)

به‌عنوان نمونه، در سند «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ» و «وَعَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ...» (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۱۵/۳ و ۳۱۶) در ابتدای سند دوم، ضمیر وجود دارد؛ از این رو که با توجه به سند قبل، به صورت زیر بازسازی می‌شود:

«وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى [ضمیر] عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ...»

گام ششم: اگر يك طبقه بر يك طبقه، به وسیله «واو» عطف شده است، این روایت دارای سند متعدد است و برای بازسازی سند، در مرتبه اول سند، تنها با راوی معطوف‌علیه آورده می‌شود و در مرتبه بعد با راوی معطوف.

به‌عنوان نمونه، سند «مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ وَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الدَّهْقَانِيِّ عَنْ دُرُسْتِ الْوَاسِطِيِّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ

مُوسَى ۷) «کَلِينِي، ۱۴۰۷: ۱/۳۲۰) مشتمل بر حرف عطف است که در این مثال «عَلِيٌّ بِنُ مُحَمَّدٍ» بر «مُحَمَّدُ بِنُ الْحَسَنِ» عطف شده است.

این سند به صورت زیر، به دو سند مستقل بازسازی می‌شود: «مُحَمَّدُ بِنُ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الدَّهْقَانِ عَنْ دُرُسْتِ الْوَاسِطِيِّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى (عَلَيْهِ السَّلَامُ)»

«عَلِيٌّ بِنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الدَّهْقَانِ عَنْ دُرُسْتِ الْوَاسِطِيِّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى (عَلَيْهِ السَّلَامُ)»

گام هفتم: اگر يك طبقه بر چند طبقه و یا چند طبقه بر چند طبقه، عطف شده است، این روایت دارای سند متعدد است و برای بازسازی سند، در مرتبه اول سند، تنها با طبقه معطوف علیه آورده می‌شود و در مرتبه بعد با طبقه معطوف. (شیری، ۱۴۳۹: ۴۱)

به‌عنوان نمونه، در سند «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَأَبُو دَاوُدَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ أَبَانَ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ۷)» (کَلِينِي، ۱۴۰۷: ۳/۳۷) بر «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ» عطف شده است.

این سند به صورت زیر بازسازی می‌شود: «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ أَبَانَ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ۷)»

«أَبُو دَاوُدَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ أَبَانَ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ۷)»

گام هشتم: اگر نام يك یا چند راوی از ابتدای سند، به اتکاء اسناد قبل یا مشیخه، حذف شده باشد، بدون این‌که به قسمت محذوف با عباراتی مانند «بهذا الإسناد» یا ضمیر اشاره شود، برای بازسازی سند، افراد حذف و ۱۰۵؛ شیری، ۱۴۳۹: ۳۸)

به‌عنوان نمونه، در سند «أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَيْصِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)» و سند «صَفْوَانُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ لَيْثِ الْمُرَادِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)» (کَلِينِي، ۱۴۰۷: ۴/۱۲۸) در سند دوم «أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ» به اتکاء سند قبل، حذف شده است.

سند دَوَم به صورت زیر بازسازی می‌شود: « أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ لَيْثِ الْمُرَادِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) »
گام نهم: اگر سند، عاری از هر گونه از عطف و ضمیر و... باشد، نیاز به بازسازی ندارد.
 به‌عنوان نمونه، سند «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام)» (کلینی، ۱۴۰۷: ۳/۳۴۸) نیازی به بازسازی ندارد.

۳. شناسایی راوی

بعد از این‌که سند روایت، بازسازی شد، نوبت به بررسی روات سند می‌رسد و اولین گام برای بررسی اعتبار راوی، شناخت او است؛ از این رو یکی از مهم‌ترین مباحثی که در تعیین اعتبار سند نقش دارد، شناسایی دقیق راوی است؛ عوامل متعددی در به وجود آمدن ابهام و عدم شناسایی راوی نقش دارند؛ رجالیان راهکارهایی را برای شناسایی راوی ارائه نموده‌اند که این بخش در پی فرآیندسازی این گام‌ها می‌باشد.

در این بخش، مسیر کلی شناسایی راوی ارائه می‌شود و در ادامه، بسته توحید مختلفات و تمییز مشترکات ذیل این بسته، بیان خواهد شد.

مراحل گام به گام بسته تعیین شناسایی راوی را می‌توان به صورت زیر فهرست نمود.

گام اول: اولین راوی بررسی شود که اگر الفاظ مبهم مثل «عن رجل» در سند وجود داشته باشد، سند، ارسال دارد که اعتبار آن در بسته اعتبارسنجی مرسلات بررسی می‌شود. (سبحانی، ۱۴۳۳: ۱۰۷؛ ایروانی، ۱۴۳۱: ۵۳)

به‌عنوان نمونه، سند «حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبَانَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام)» (کلینی، ۱۴۰۷، ۳/۲۱۴) به جهت وجود کلمه «عن رجل» مرسل می‌باشد.
گام دوم: اگر الفاظ مبهم مانند «عن عدة» در کلام کلینی یا «غیر واحد» باشند، روایت از این جهت خللی ندارد و در صورتی که راوی دیگری وجود داشته باشد باید بررسی شود.

به‌عنوان نمونه، در امثال روایت ذیل این «عدة» معرفی شده‌اند.

«عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَوَهَيْبِ بْنِ حَفْصٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام)» (کلینی، ۱۴۰۷، ۱/۱۴۷)

طبق آنچه که «نجاشی» و «علامه حلی» بیان کرده‌اند، مراد از «عدة عن اصحابنا» در کلام کلینی، سه گروه هستند که وی به واسطه آن‌ها از «احمد بن محمد بن عیسی»، «احمد بن محمد بن خالد برقی» و «سهل بن زیاد» روایت نقل کرده است. (نجاشی، ۱۳۶۵، ۳۷۸؛ حلی، ۱۴۱۱: ۲۷۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ۳۳/۱). اگر کلینی از غیر این سه نفر به واسطه «عدة» نقل کند مجهول به شمار می‌روند که مصادیق آنان در هیچ یک از منابع حدیثی و رجالی موجود، مشخص نگردیده است؛ لذا چنین مواردی موجب ارسال سند می‌گردد. از طرف دیگر از تعبیر دیگری که باعث ارسال روایت نمی‌شود، تعبیر «غیر واحد» است، در این خصوص بیان شده است که «غیر واحد» در جایی است که واسطه، جماعتی از روایت می‌باشد که اطمینان به وثاقت بعضی وجود دارد. (خویی، ۱۴۱۸: ۳۲۳/۴؛ صدر، ۱۴۰۸: ۳۵۵/۴ و ۳۹۵)

گام سوم: اگر الفاظ مبهم مثل عن رجل و... در سند نیست، ابتدائاً برای تشخیص راوی به بسته توحید مختلفات و تمیز مشترکات رجوع شود.

گام چهارم: در صورت اثبات مشترک بودن عنوان راوی، این راوی دقیقاً تعیین نمی‌شود؛ بلکه اجماً قابل شناسایی است و باید اولین عنوان بررسی شود.

گام پنجم: اگر رجالیان عنوان راوی را می‌شناسند، باید طبقه راوی بررسی شود؛ اما اگر رجالیان عنوان راوی را نمی‌شناسند، راوی مجهول بوده و قابل شناسایی نیست که اعتبار آن در بسته اعتبارسنجی مرسلات بررسی می‌شود.

اصطلاح مجهول در برابر اصطلاح مهمل است. مجهول نسبت به فردی گفته می‌شود که رجالیان او را به عنوان راوی نمی‌شناسند؛ اما مهمل نسبت به فردی گفته می‌شود که رجالیان او را به عنوان راوی می‌شناسند، ولی توثیق یا تضعیفی نسبت به او بیان نشده است.

با توجه به این که مهمل بودن راوی بر اساس وجود یا عدم توثیق یا تضعیف راوی تعیین می‌شود و بسته حاضر صرفاً در صدد شناسایی راوی است، بحث مهمل در بسته بررسی احوال راوی خواهد آمد. (میرداماد، ۱۳۱۱: ۶۰؛ سبحانی، ۱۴۳۳: ۱۱۸ و ۱۱۹)

البته در تعریف مجهول و مهمل، اختلاف است و در این نوشتار، بر اساس یک اصطلاح، مشی شده است. (برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: مامقانی، ۱۴۱۱: ۳۹۷، پاورقی ۲؛ پاورقی از محمدرضا مامقانی است؛ سبحانی، ۱۴۲۵: ۱۲۲؛ هادوی، ۱۴۲۶: ۴۵؛ دلبری، ۱۳۹۸، ۳۴۰ و ۳۴۱)

گام ششم: اگر طبقه راوی افتادگی نداشته باشد، باید به بسته احوال راوی رجوع شود؛ اما اگر طبقه راوی افتادگی داشته باشد، باید اعتبار آن در بسته اعتبارسنجی مسلمات بررسی شود.

گام هفتم: در صورت اعتبار عنوان اول راوی، نسبت به عنوان دیگر نیز گام پنجم و ششم تکرار می‌شود.

گام هشتم: در صورت مشترک نبودن عنوان راوی، باید گام پنجم و ششم تکرار شود.

همان‌طور که در گام سوم بیان شد، باید اشتراک عناوین راوی در بسته توحید مختلفات و تمییز مشترکات اثبات شود که در ادامه به این دو بسته اشاره می‌شود.

یک. توحید مختلفات

یکی از مباحث مهم در شناسایی راوی، تشخیص اتحاد یا عدم اتحاد عناوین یک راوی است. گاه از یک راوی در اسناد یا کتب رجالی با تعابیر گوناگونی یاد شده است؛ کشف اتحاد این عناوین در یک مصداق را «توحید مختلفات» می‌گویند.

به‌عنوان نمونه، از «ابن ابی عمیر» با تعبیر «محمد بن زیاد» نیز یاد شده است. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۴۸۲/۲۶؛ شبیری، ۱۴۲۹: ۱۵۴/۱)

در ثمره این بحث می‌توان گفت از آن‌جا که «ابن ابی عمیر» از روای مشهور است، با کشف اتحاد این دو عنوان، توصیفات عنوان «ابن ابی عمیر» بر عنوان «محمد بن زیاد» تطبیق می‌گردد.

مراحل گام به گام بسته توحید مختلفات را می‌توان به صورت زیر فهرست نمود.

گام اول: ابتدائاً وجود عناوین دیگر بررسی شود.

گام دوم: اگر در کتب رجالی، نام دیگری برای راوی ذکر شده باشد، در صورتی که این راه موجب علم به توحید مختلفات شود، عناوین متعدد برای راوی ثابت می‌شود، مشترک بودن عنوان راوی بررسی شود.

به‌عنوان نمونه، نجاشی در ترجمه «عمرو بن ابی نصر» می‌گوید «واسمه زید». (نجاشی، ۱۳۶۵، ۲۹۰) با توجه به این کلام اگر در اسناد، عنوان «زید بن ابی نصر» بیان شده باشد، احتمال این‌که عمرو باشد زیاد بوده و در صورت حصول قطع، این عنوان بر او تطبیق می‌گردد.

مستند اعتبار در صورت حصول قطع که در این گام و نیز در گام‌های بعد بدان اشاره شده است، حجیت ذاتی قطع است. (انصاری، ۱۴۲۸: ۲۹/۱)

گام سوم: اگر روایتی با سند مشابه با تغییری در این عنوان نقل شده است، در صورتی که این راه، موجب علم به توحید مختلفات شود، عناوین متعدد برای راوی ثابت می‌شود، مشترک بودن عنوان راوی بررسی شود. (بکاء، ۱۴۳۶: ۴۳۴/۲؛ پیروزفر، رضداد، ۱۳۹۳، ۵۵)

به‌عنوان نمونه، در کتاب کافی، روایتی از «عبد الرحیم بن عتیک القصیر» بدین گونه بیان شده است: «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُمَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحِيمِ بْنِ عَتِيكٍ الْقَصِيرِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۰/۱)

این روایت در کتاب توحید صدوق نیز با سند مشابه، اما با عنوان «عبد الرحیم القصیر» بدین گونه ذکر شده است: «حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ قَالَ حَدَّثَنَا الْعَبَّاسُ بْنُ مَعْرُوفٍ قَالَ حَدَّثَنَا ابْنُ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُمَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحِيمِ الْقَصِيرِ» (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۱۰۲)

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، با توجه به مقایسه این دو سند، عنوان دیگر برای راوی ثابت می‌شود. **گام چهارم:** اگر عنوان مشابه دیگری که در وصف یا اثر با این عنوان، متحد است، وجود دارد، در صورتی که این راه، موجب علم به توحید مختلفات شود، عناوین متعدد برای راوی ثابت می‌شود، مشترک بودن عنوان راوی بررسی شود. (شوشتری، ۱۴۱۵: ۸۱/۹)

به‌عنوان نمونه، عنوان «محمد بن احمد بن ابی الثلج الکاتب» با عنوان «محمد بن احمد بن محمد بن عبدالله الکاتب» در وصف «کاتب» با یکدیگر اشتراک دارند و نیز در ترجمه هر دو عنوان، کتاب «بشری» و «تنزیل» به‌عنوان اثر مطرح شده است.

در این باب، محقق شوشتری می‌گوید: «اتحادهما مقطوع لإتحاد موضوع فهرست الشيخ و النجاشی و ذکر کل منهما فی عنوانه کتاب البشری و کتاب التنزیل» (شوشتری، ۱۴۱۵: ۸۱/۹)

گام پنجم: در صورتی که هر یک از این راه‌ها به تنهایی موجب علم به توحید مختلفات نشود، ولی مجموعه آن‌ها موجب علم گردد، عناوین متعدد برای راوی ثابت می‌شود، مشترک بودن عنوان راوی بررسی شود.

گام ششم: در غیر صورت‌های گذشته، نام‌های متعدد برای راوی تعیین نمی‌شود، مشترک بودن عنوان راوی بررسی شود.

دو. تمییز مشترکات

یکی دیگر از مباحث مهم و دشوار در شناسایی راوی، شناخت راویان مشترک است. (خواجهوی، ۱۴۱۳: ۱۹۸) گاه یک عنوان، قابلیت انطباق بر بیش از یک نفر را دارد؛ تشخیص دقیق مصداق را «تمییز مشترکات» می‌گویند.

به‌عنوان نمونه، عنوان «اسماعیل الجعفی» مشترک بین «اسماعیل بن جابر» و «اسماعیل بن عبدالرحمن» است. (خوی، بی‌تا، ۳۱/۴)

در ثمره این بحث می‌توان گفت، اگر عنوانی بین ثقه و غیرثقه، مشترک باشد و این عنوان در سند به کار رفته باشد، موجب عدم احراز وثاقت راوی مذکور می‌شود.

مراحل گام به گام بسته تمییز مشترکات را می‌توان به صورت زیر فهرست نمود.

گام اول: بعد از بررسی اسامی متعدد برای راوی، با مراجعه به کتب رجالی، مشترک بودن عنوان راوی بررسی شود.

گام دوم: اگر در کتب رجالی، این عنوان برای چند نفر ذکر نشده باشد، اشتراک ثابت نیست و نیاز به تمییز مشترکات ندارد.

گام سوم: در صورتی که در کتب رجالی، این عنوان برای چند نفر ذکر شده باشد، اشتراک ثابت است و باید راه‌های تمییز مشترکات بررسی شود.

گام چهارم: اگر مراجعه به اسناد پیشین، موجب علم به مصداق راوی شود، تمییز مشترکات محقق می‌شود. (شیری، ۱۴۳۹: ۶۴)

به‌عنوان نمونه، راویان این سند «أَحْمَدُ عَنْ عَلِيٍّ عَنْ سَيْفٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۳۳/۴) با توجه به سند پیشین که به این گونه بیان شده است «عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي بَكْرٍ الْحَضْرَمِيِّ وَ زَيْدِ الشَّحَامِ وَ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۳۳/۴) تعیین می‌شوند.

گام پنجم: اگر توجه به استادان و شاگردان راوی، موجب علم به مصداق راوی شود، تمییز مشترکات محقق می‌شود. (اردبیلی، ۱۴۰۳: جامع الرواة، ۳۳/۱؛ شیری، ۱۴۳۹: ۷۲)

به‌عنوان نمونه، در سند «عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ كَتَبَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْخُرَّاسَانِي» (طوسی، ۱۴۰۷: ۳۲۷/۹) مقدس اردبیلی معتقد است مراد از ابراهیم بن محمد، ابراهیم بن محمد الهمدانی است؛ زیرا محمد بن عیسی از او نقل کرده است و به این قرینه، اشتراک عنوان را بر طرف کرده است. (اردبیلی، ۱۴۰۳: جامع الرواة، ۳۳/۱)

گام ششم: اگر توجه به طبقه راوی، موجب علم به مصداق راوی شود، تمییز مشترکات محقق می‌شود. (خویی، بی‌تا، ۲۰۱/۲۳؛ شبیری، ۱۴۳۹: ۶۹)

محقق خویی یکی از راه‌های تمییز عنوان «ابن سنان» که مشترک بین «عبدالله» و «محمد» است را توجه به طبقه می‌داند؛ ایشان در این رابطه می‌گوید: «ابن سنان قد یطلق علی عبد الله بن سنان، و قد یطلق علی محمد بن سنان و التمییز بینهما إنما یكون بملاحظة الطبقة، فما كان في هذه الروایات عن الباقر ۷ أو عن الصادق ۷، أو من كان في طبقتهما، فالمراد به عبد الله بن سنان، كما أن ما كان فيها عن أبي الحسن الرضا ۷، و من بعده فهو محمد بن سنان» (خویی، بی‌تا، ۲۰۱/۲۳)

طبق این کلام، مراد از ابن سنان در اسنادی مانند «عَنْهُ عَنْ ابْنِ سِنَانٍ عَنِ الْعَلَاءِ عَنِ خَالِدِ الصَّقَلِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (۷)» (برقی، ۱۳۷۱: ۱۲۳/۱) عبدالله بن سنان است.

لازم به یادآوری است، تفاوت دو گام گذشته در این است که ممکن است استاد و شاگرد هر دو از یک طبقه زمانی محسوب شوند؛ چه بسا کسی که عمرش بیش از دیگری باشد از او نقل کند و یا استاد و شاگرد در سن و سال، مساوی باشند. در نتیجه، استاد و شاگرد ممکن است در یک طبقه باشند.

گام هفتم: اگر توجه به متن روایت، موجب علم به مصداق راوی شود، تمییز مشترکات محقق می‌شود. (علیاری، ۱۴۱۲: ۶۰/۱)

محقق علیاری در این باره می‌گوید: «مانند این که در مورد یکی از دو عنوان مشترک نقل شود که او خطبه‌ها و قضایای امیر المومنین (علیه السلام) را روایت می‌کند و روایت مورد نظر هم نقل خطبه باشد و یا این که در مورد او گفته شده باشد که احادیش اضطراب دارد و روایت مورد نظر هم مضطرب باشد» (علیاری، ۱۴۱۲: ۶۰/۱)

گام هشتم: اگر عنوان مشترک به یکی از افراد، به صورت قطعی منصرف باشد، تمییز مشترکات محقق می‌شود. (کلباسی، ۱۴۱۹: ۳۰۳؛ خویی، بی‌تا، ۱۱۵/۴)

محقق خویی در مورد عنوان اسماعیل جعفی که مشترک بین اسماعیل بن عبد الرحمن و اسماعیل بن جابر است، می‌گوید: «و قد تقدم في إسماعيل بن جابر أنه أكثر رواية من إسماعيل بن عبد الرحمن بمراتب، وأنه أشهر وأعرف، فإنه ذو كتاب. و أما إسماعيل بن عبد الرحمن فرواياته قليلة و لم يذكر له كتاب، فتعين أن إسماعيل الجعفي ينصرف إلى إسماعيل بن جابر إذا لم تكن قرينة على الخلاف» (خویی، بی تا، ۱۱۵/۴)

به‌عنوان نمونه، در سند «مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ الْجُعْفِيِّ وَ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عَمْرٍو وَ عَبْدِ الْحَمِيدِ بْنِ أَبِي الدَّيْلَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۸۳/۴) مراد از اسماعیل جعفی، اسماعیل بن جابر است.

گام نهم: اگر هر یک از راه‌های سابق به تنهایی موجب علم نشود؛ اما مجموعه این راه‌ها از باب تراکم ظنون، موجب علم به مصداق راوی شود، تمییز مشترکات محقق می‌شود.
گام دهم: در غیر صورت‌های گذشته، تمییز مشترکات محقق نمی‌شود.

نتیجه‌گیری

بررسی صدور روایت، عملیاتی پیچیده و نیازمند دقت فراوان است که دارای مراحل گام‌به‌گام از نقطه شروع تا پایان می‌باشد. این مقاله با هدف فرآیندسازی مراحل کشف صدور حدیث، به‌طور نظام‌مند به بررسی این فرآیند پرداخته و نشان داده است که چگونه می‌توان الگوریتم دانش اعتبارسنجی احادیث را به‌صورت ساختاریافته و قابل پیاده‌سازی در محیط‌های دیجیتال ارائه کرد. مراحل اصلی این فرآیند شامل بررسی قطع به صدور، تعیین نوع سند و بازسازی آن، شناسایی راوی، بررسی اعتبارسنجی مراسلات و بررسی احوال راوی است. هر یک از این مراحل به‌طور دقیق و گام‌به‌گام بررسی شده‌اند تا شفافیت و دقت لازم در تحلیل‌های حدیثی فراهم شود.

فرآیندسازی مراحل کشف صدور حدیث، نه تنها به کاهش خطاهای انسانی و افزایش دقت در تحلیل‌ها کمک می‌کند، بلکه بستری برای دیجیتال‌سازی این فرآیندها فراهم می‌آورد. این اقدام، امکان طراحی الگوریتم‌های هوشمند و سامانه‌های خودکار اعتبارسنجی احادیث را فراهم می‌کند که می‌توانند به‌طور سریع و دقیق، روایات را تحلیل و ارزیابی کنند. علاوه بر این، فرآیندسازی با ارائه ساختاری گام‌به‌گام و شفاف، درک دقیق‌تری از مباحث رجالی و روابط بین آن‌ها ایجاد می‌کند، نقاط ضعف و

خلاهای موجود در مباحث نظری را آشکار می‌سازد، و با ارائه محتوایی منسجم، آموزش و یادگیری را تسهیل می‌نماید. همچنین، شفافیت در روش‌ها و مراحل مختلف، امکان نقد علمی و بازبینی را فراهم کرده و زمینه را برای به‌کارگیری دانش رجال در حوزه‌های میان‌رشته‌ای تقویت می‌کند.

این فرآیندسازی می‌تواند در حوزه‌های مختلفی مانند آموزش حدیث‌شناسی، تحقیقات فقهی و تاریخ‌نگاری اسلامی نیز مورد استفاده قرار گیرد. به‌ویژه، ارائه بسته‌های فرآیندی مانند توحید مختلفات و تمییز مشترکات، نشان داده است که چگونه می‌توان از این الگوها برای شناسایی دقیق راویان و کاهش ابهامات در اسناد حدیثی استفاده کرد. این الگوها نه تنها در تحقیقات آکادمیک، بلکه در آموزش حدیث‌شناسی نیز کاربرد دارند.

اگرچه این مقاله گام‌های اولیه را در فرآیندسازی مراحل کشف صدور حدیث برداشته است، اما نیاز به تحقیقات بیشتر در حوزه‌هایی مانند طراحی الگوریتم‌های هوشمند، ایجاد بانک‌های اطلاعاتی جامع از راویان و اسناد حدیثی و ادغام با علوم داده و هوش مصنوعی احساس می‌شود. این اقدامات می‌توانند به توسعه بیشتر این حوزه و افزایش کارایی سامانه‌های اعتبارسنجی دیجیتال کمک کنند. در نهایت، این پژوهش نشان می‌دهد که ترکیب دانش سنتی با فناوری‌های نوین، می‌تواند افق‌های جدیدی را در حوزه علوم اسلامی بگشاید و به حفظ و توسعه میراث حدیثی اسلام کمک کند.

فهرست منابع

- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۸ق)، التوحید. تصحیح: حسینی، هاشم، قم: جامعه مدرسین.
 اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق)، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان. تصحیح: مجتبی
 عراقی، علی پناه اشتهازی، حسین یزدی اصفهانی، قم: انتشارات اسلامی.
 اردبیلی، محمد بن علی (۱۴۰۳ق)، جامع الرواة و إزاحة الاشتباهات عن الطرق و الأسناد. بیروت: دار
 الأضواء.
 انصاری، مرتضی (۱۴۲۸ق)، فراند الاصول. چاپ نهم، قم: مجمع الفكر الاسلامی.
 برقی، احمد بن محمد (۱۳۷۱ق)، المحاسن. چاپ دوم، قم: دار الكتب الإسلامية.
 بکاء، سید محمد (۱۴۳۶ق)، قیسات من علم الرجال اباحت السید محمدرضا السیستانی. عراق: دار
 الوركاء.
 پیروزفر، سهیلا؛ رضاداد، فاطمه (۱۳۹۳)، «راه کارهای تمییز مشترکات و توحید مختلفات»، مطالعات
 اسلامی، علوم قرآن و حدیث، دوره پاییز و زمستان، سال چهل و ششم، شماره ۹۳، ص ۳۹-۶۴.
 حسینی شیرازی، سید علیرضا (۱۳۹۸)، اعتبارسنجی احادیث شیعه. چاپ دوم، تهران: سمت.
 حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۱ق)، رجال العلامة حلّی. چاپ دوم، نجف: دار الذخائر.
 خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۷)، چهار کتاب اصلی علم رجال. چاپ سوم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
 خراسانی، محمد کاظم (۱۴۰۹ق)، کفایة الاصول. قم: مؤسسة آل البيت.
 خواجویی، اسماعیل بن محمد حسین (۱۴۱۳ق)، الفوائد الرجالية (الخواجویی). مشهد: بنیاد پژوهش‌های
 اسلامی.
 خویی، ابو القاسم (۱۴۱۸ق)، موسوعة الإمام الخوئی. قم: مؤسسة إحياء آثار الإمام الخوئی.
 خویی، ابو القاسم (بی تا)، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرجال. بی جا: بی نا.
 دلبری، سید علی (۱۳۹۸)، آشنایی با اصول علم رجال. چاپ پنجم، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
 سبحانی، جعفر (۱۴۲۵ق)، کلیات فی علم الرجال. چاپ ششم، قم: نشر اسلامی.
 سبحانی، جعفر (۱۴۳۳ق)، اصول الحديث و احکامه. بیروت: دار جواد الاثمه.
 سند، محمد (۱۴۲۹ق)، بحوث فی مبانی علم الرجال. چاپ دوم، قم: مدين.
 شبیری زنجانی، محمد جواد (۱۴۲۹ق)، توضیح الاسناد المشکلة فی الكتب الاربعة. قم: دارالحدیث.
 شبیری، سید محمد جواد (۱۴۳۹ق)، اصول الرجال. نجف: دار البذرة.
 شوشتری، محمد تقی (۱۴۱۵ق)، قاموس الرجال. چاپ اول، قم: نشر اسلامی.
 صدر، محمد باقر (۱۴۰۸ق)، بحوث فی شرح العروة الوثقی. تصحیح: محمود هاشمی شاهرودی، چاپ
 دوم، قم: مجمع الشهد آية الله الصدر العلمی.

- صدر، محمد باقر (۱۴۱۸ق)، دروس فی علم الأصول. چاپ پنجم، قم: انتشارات اسلامی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق)، تهذیب الاحکام. تصحیح: خراسان، حسن الموسوی، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامية.
- علیاری تبریزی، علی بن عبدالله (۱۴۱۲ق)، بهجة الآمال فی شرح زبدة المقال. چاپ دوم، تهران: بنیاد فرهنگ اسلامی کوشانپور.
- فضلی، عبد الهادی (۱۴۳۰ق)، اصول علم الرجال. چاپ دوم، بیروت: مرکز الغدیر.
- فیاض، اسحاق (۱۴۲۲ق)، محاضرات فی اصول الفقه (تقریرات درس آیت الله العظمی خویی). قم: مؤسسة إحياء آثار الامام الخویی.
- فیض کاشانی، محمد محسن (۱۴۰۶ق)، الوافی. اصفهان: کتابخانه امام امیر المؤمنین علی.
- کلباسی، ابوالهدی (۱۴۱۹ق)، سماء المقال فی علم الرجال. قم: مؤسسة ولي العصر علیه السلام للدراسات الإسلامية.
- کلباسی، محمد بن محمد ابراهیم (۱۴۲۲ق)، الرسائل الرجالية. قم: موسسه علمی فرهنگي دار الحدیث.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی. تحقیق: علی اکبر غفاری، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامية.
- کاظمی خراسانی، محمد علی (۱۳۷۶)، فوائد الأصول (تقریرات درس محقق نایینی). قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- مامقانی، عبدالله (۱۴۱۱ق)، مقباس الهدایة فی علم الدراية. تحقیق: محمدرضا مامقانی، قم: مؤسسة آل البيت.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق)، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول. چاپ دوم، تهران: دارالکتب الإسلامية.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۲۰ق)، الوجيزة فی الرجال. تصحیح: محمد کاظم رحمان ستایش، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مظفر، محمد رضا (۱۴۳۰ق)، اصول الفقه. چاپ پنجم، قم: نشر اسلامی.
- معین، محمد (۱۳۸۶)، فرهنگ معین. چاپ چهارم، تهران: انتشارات ادنا.
- نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵)، رجال النجاشی. تحقیق: سید موسی شبیری زنجانی، چاپ ششم، قم: نشر اسلامی.
- نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵ش)، رجال النجاشی. تحقیق: سید موسی شبیری زنجانی، چاپ ششم، قم: نشر اسلامی.
- نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ق)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. تصحیح: عباس قوچانی و علی آخوندی، چاپ هفتم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

هادوی تهرانی، مهدی (۱۴۲۶ق)، تحرير المقال في كليات علم الرجال. چاپ دوم، قم: موسسه فرهنگي خانه خرد.

هاشمی شاهرودی، محمود (۱۴۱۷ق)، بحوث في علم الأصول (تقريرات درس آيت الله العظمی شهيد صدر). چاپ سوم، قم: موسسه دايرة المعارف فقه اسلامی.

واسطی، عبد الحمید (بی تا)، الگوریتم اجتهاد (روش شناسی استنباط فقهی). منتشر نشده.

نرم افزار درایة النور، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور.

References

- Ibn babewaih Muḥammad ibn ‘Alī, H. (Ed.). (1398/1978). *Al-Tawḥīd* (Rev. ed.). Qom: Jāme‘eh Madaris. [in persian]
- Aḥmad ibn Muḥammad Ardabīlī. (1403/1983). *Al-Majmū‘ al-Fā’ida wa al-Burhān fī Sharḥ Iḥṣād al-Aḍḥān* (Rev. ed.). Qom: Islāmī Publications. [in persian]
- Muḥammad ibn ‘Alī Ardabīlī. (1403/1983). *Jāmi‘ al-Rawātī wa Izhā‘ al-Ishābāt ‘an al-Ṭuruq wa al-Asnād*. Beirut: Dār al-Aḍwā’. [in persian]
- Ansārī, M. (1428/2007). *Farā’id al-Usūl* (9th ed.). Qom: Majma‘ al-Fikr al-Islāmī. [in persian]
- Aḥmad ibn Muḥammad al-Barqī. (1371/1992). *Al-Maḥāsīn* (2nd ed.). Qom: Dār al-Kutub al-Islāmiyya. [in persian]
- Sayyid Muḥammad al-Bakā’ī. (1436/2015). *Qubāsāt min ‘Ilm al-Rijāl: Aḥkām al-Sayyid Muḥammad Riza al-Sīstānī*. Iraq: Dār al-Warkā’. [in persian]
- Pīrūzfar, S., & Rizādād, F. (1393/2014). Rāh-kār-hā-ye tamīz mashtrakāt va taḥwīd mukhtalifāt. *Mālāmāt-e Islāmī*, 66(93), 39–64. [in persian]
- Ḥusaynī Shīrāzī, S. ‘Alī R. (1398/2019). *I’tibār-sanjī al-Ḥadīth al-Shī‘ī*. (2nd ed.). Tehran: Samt. [in persian]
- Ḥasan ibn Yūsuf al-Ḥillī. (1411/1990). *Rijāl al-‘Allāmah al-Ḥillī* (2nd ed.). Najaf: Dār al-Dhakhā’ir. [in persian]
- Khāmene’ī, S. ‘Alī. (1377/1998). *Chahār Kitāb-i Aslī ‘Ilm al-Rijāl* (3rd ed.). Tehran: Difter-e Nashr-e Farhang-e Islāmī. [in persian]
- Muḥammad Kāzīm Khurasānī. (1409/2000). *Kifāyat al-Usūl*. Qom: Muṣṭafā ‘Āl al-Bayt. [in persian]
- Ismā‘īl ibn Muḥammad Ḥusayn Khwājū’ī. (1413/2002). *Al-Fawā’id al-Rijālīya* (al-Khwājū’ī). Mashhad: Bonyād Pajūheshhā-ye Islāmī. [in persian]
- Abū al-Qāsim al-Khū’ī. (1418/2007). *Mu’assasat al-Imām al-Khū’ī*. Qom: Muṣṭafā Iḥyā’ al-Athār al-Imām al-Khū’ī. [in persian]
- Abū al-Qāsim al-Khū’ī. (n.d.). *Ma‘jam Rijāl al-Ḥadīth wa Tasfīl Ṭabaqāt al-Rijāl*. Bi-ja: Bi-nā. [in persian]

- Delbarī, S. ‘Alī. (1398/2019). *Āshnā ī ba Usūl ‘Ilm al-Rijāl* (5th ed.). Mashhad: Dāneshgāh-e ‘Ulūm-e Islāmī Rizawī. [in persian]
- Şabāhānī, J. (1425/2004). *Kulliyāt fī ‘Ilm al-Rijāl* (6th ed.). Qom: Nashr-e Islāmī. [in persian]
- Şabāhānī, J. (1433/2012). *Usūl al-Ḥadīth wa Ahkāmuhu*. Beirut: Dār Jawād al-A’imma. [in persian]
- Sanad, M. (1429/2009). *Bahūth fī Mabānī ‘Ilm al-Rijāl* (2nd ed.). Qom: Madīn. [in persian]
- Shobāīrī Zanjānī, M. J. (1429/2009). *Taṣḥīḥ al-Asnād al-Mushkila fī al-Kutub al-Arba‘a*. Qom: Dār al-Ḥadīth. [in persian]
- Shobāīrī, S. Muḥammad J. (1439/2018). *Usūl al-Rijāl*. Najaf: Dār al-Budra. [in persian]
- Shushtrī, M. Taqī. (1415/1994). *Qāmūs al-Rijāl*. Qom: Nashr-e Islāmī. [in persian]
- Sayyid Muḥammad Baqir al-Şadr. (1408/1987). *Bahūth fī Sharḥ al-‘Urwa al-Wuthqā* (Rev. ed., M. Hāshimī Shāhruḏī, Ed.). Qom: Majma‘ al-Shahīd al-Āyatullāh al-Şadr al-‘Ilmī. [in persian]
- Sayyid Muḥammad Baqir al-Şadr. (1418/2007). *Durūs fī ‘Ilm al-Usūl* (5th ed.). Qom: Islāmī Publications. [in persian]
- Muḥammad ibn Ḥasan al-Ṭūsī. (1407/1986). *Tahdhīb al-Ahkām* (4th ed., H. al-Khursānī, Ed.). Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyya. [in persian]
- ‘Alī al-Arā‘ī Tabrīzī. (1412/2001). *Bahjat al-Akhhār fī Sharḥ Zabdat al-Maqāl* (2nd ed.). Tehran: Bonyād Farhang-e Islāmī Kūshānpūr. [in persian]
- Faḏlī, ‘Abd al-Hādī. (1430/2010). *Usūl ‘Ilm al-Rijāl* (2nd ed.). Beirut: Markaz al-Ghadīr. [in persian]
- Fayḏ al-Ḥusaynī, I. (1422/2001). *Maḥāḏīr fī Usūl al-Fiqh* (Transcripts of lectures by Ayatullah al-‘Uzma al-Khū‘ī). Qom: Muṣṭafā Iḥyā’ al-Athār al-Imām al-Khū‘ī. [in persian]
- Fayḏ Kāshānī, M. M. (1406/1986). *Al-Wāfī*. Isfahan: Ketābkhāna-yi Imām Amir al-Mu’minīn ‘Alī. [in persian]

- Abū al-Hudā Kalbāsī. (1419/2008). *Sama' al-Maqāl fī 'Ilm al-Rijāl*. Qom: Muṣṭafā Wali al-'Aṣr 'Alayhi al-Salām li al-Baḥūth al-Islāmiyya. [in persian]
- Muḥammad ibn Muḥammad Ibrāhīm Kalbāsī. (1422/2001). *Al-Rasā'il al-Rijālīya*. Qom: Muṣṭafā 'Ilmī Farhangī Dār al-Ḥadīth. [in persian]
- Muḥammad ibn Ya'qūb al-Kulaynī. (1407/1986). *Al-Kāfī* (4th ed., 'Alī Akbar Ghaffārī, Ed.). Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyya. [in persian]
- Muḥammad 'Alī al-Kāzīmī al-Khurasānī. (1376/1997). *Fawā'id al-Uṣūl* (Transcripts of lectures by Muhaqqiq Nā'inī). Qom: Jāme'eh Madaris Hawzah 'Ilmiyyah Qom. [in persian]
- 'Abdullāh al-Māmaqānī. (1411/1990). *Maqābās al-Hidāya fī 'Ilm al-Darāya* (M. R. Māmaqānī, Ed.). Qom: Muṣṭafā 'Āl al-Bayt. [in Persian]
- Muḥammad Baqir al-Majlisī. (1404/1983). *Mar'at al-'Uqūl fī Sharḥ Akhbār Āl al-Rasūl* (2nd ed.). Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyya
- Majlisi, M. B. (1420 AH). *Al-Wajīza fī al-Rijāl* (M. K. Rahman Setayesh, Ed.). Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. [in persian]
- Muzaffar, M. R. (1430 AH). *Uṣūl al-Fiqh* (5th ed.). Qom: Nashr-e Islami. [in persian]
- Moein, M. (2007). *Farhang-e Moein* (4th ed.). Tehran: Edna Publications. [in persian]
- Najashi, A. b. 'Alī. (1986). *Rijāl al-Najashī* (M. Shobeyri Zanjani, Ed.; 6th ed.). Qom: Nashr-e Islami. [in persian]
- Najashi, A. b. 'Alī. (1986/1365 Sh). *Rijāl al-Najashī* (M. Shobeyri Zanjani, Ed.; 6th ed.). Qom: Nashr-e Islami. [in persian]
- Najafī, M. H. (1404 AH). *Jawāhir al-Kalām fī Sharḥ Sharā'i' al-Islām* (7th ed.; A. Qochani & A. Akhundi, Eds.). Beirut: Dār Ihyā' al-Turāth al-'Arabī. [in persian]
- Hadavi Tehrani, M. (1426 AH). *Taḥrīr al-Maqāl fī Kullīyāt 'Ilm al-Rijāl* (2nd ed.). Qom: Khāneh-ye Kherad Cultural Institute. [in persian]
- Hashemi Shahroudi, M. (1417 AH). *Buḥūth fī 'Ilm al-Uṣūl (Lecture Notes of Grand Ayatollah Sayyid Muhammad Baqir al-Sadr)* (3rd ed.). Qom: Islamic Jurisprudence Encyclopedia Institute. [in persian]

Wasiti, A. H. (n.d.). *Algorithm-e Ijtihād (A Methodology of Jurisprudential Inference)*. Unpublished manuscript. [in persian]

Dārayat al-Nūr Software. Noor Computer Research Center for Islamic Sciences. [in persian]